

قانون امور حسبی

تهیه و تنظیم:
گروه پژوهشی انتشارات معید مهر

انتشارات معید مهر

تهران - زمستان ۱۴۰۳



MCEID

انتشارات معید مهر

عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	Iran. Laws, etc
مشخصات نشر	قانون امور حسبی/تهیه و تنظیم گروه پژوهشی انتشارات معید مهر.
مشخصات ظاهری	تهران: معید مهر، ۱۴۰۳.
شابک	۷۶ ص، ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۴۸۶۱-۴۸-۱
موضوع	فیا
	امور حسبی — ایران
	Probate law and practice — Iran
شناسه افزوده	انتشارات معید مهر
زده بندی کنگره	KMH۴۸۳۰
زده بندی دیویی	۵۵۰.۵۲/۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی	۹۹۲۰۵۶۵



عنوان کتاب:	قانون امور حسبی
تهیه و تنظیم:	گروه پژوهشی انتشارات معید مهر
ناظر و ویراستار:	علیرضا حیدری
ناشر:	انتشارات معید مهر
ویراستار:	مهران غلامیان
طراحی جلد:	آرام یعقوبی
نوبت چاپ:	چاپ اول - زمستان ۱۴۰۳
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۴۸۶۱-۴۸-۱
قیمت:	۱/۴۰۰/ریال
تلفن:	۰۲۱-۲۲۱۱۱۲۸۴
پایگاه اینترنتی:	www.Moeid.law
	www.Moeid.academy
پست الکترونیکی:	Info@moeid.academy

فهرست مطالب

باب اول- در کلیات	۹
باب دوم- در قیمومت	۱۶
فصل اول- صلاحیت دادگاه قیمومت	۱۶
فصل دوم- ترتیب تعیین قیم	۱۷
فصل سوم- اختیارات و مسئولیت قیم	۲۰
فصل چهارم- عزل قیم	۲۳
باب سوم- امور راجعه امین	۲۴
باب چهارم- راجعه ذنب مفقودالاثر	۲۷
فصل اول- در صلاحیت دادگاه	۲۷
فصل دوم- در تعیین امین	۲۸
فصل سوم- دادن اموال بهطور موقت به تصرف ورثه	۲۹
فصل چهارم- در حکم موت فرضی	۳۲
باب پنجم- در امور راجعه ترکه	۳۴
فصل اول- در صلاحیت	۳۴
فصل دوم- در مهر و موم	۳۵
فصل سوم- در برداشتن مهر و موم	۴۱
فصل چهارم- در تحریر ترکه	۴۴
فصل پنجم- راجعه دیون متوفی	۴۷
مبحث اول- استیفای دین از ترکه	۴۷
مبحث دوم- قبول ترکه	۵۱
مبحث سوم- رد ترکه	۵۲
مبحث چهارم- قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه	۵۲

۵۳	مبحث پنجم - تصفیه
۵۶	فصل ششم - راجعه وصیت
۶۰	فصل هفتم - در تقسیم
۶۴	فصل هشتم - در ترکه متوفای بلا وارث
۶۶	فصل نهم - راجعه ترکه اتباع خارجه
۷۱	فصل دهم - در تصدیق انحصار وراثت
۷۵	باب هفتم - در هزینه

باب اول - در کلیات

ماده ۱- امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌ها باشد.

ماده ۲- رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد مگر آن‌که خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۳- رسیدگی به امور حسبی در دادگاه‌های حقوقی به عمل می‌آید.

ماده ۴- در موضوعات حسبی هرگاه امری در خارج از مقرر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می‌تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید. در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده ارجاع می‌فرستد.

ماده ۵- مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

ماده ۶- در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی صالح باشند دادگاهی که بدو به آن رجوع شده است رسیدگی می‌نماید.

ماده ۷- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاه‌ها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

ماده ۸- دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

۱- اموری که در آن‌ها ذی‌نفع است؛

۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه ای که در عده طلاق رجعی است در حکم

زوجه است)؛

۳- امور اقرای نسب و سببی خود در درجه ۱ و ۲ از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم؛

۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد.

ماده ۹- در موارد خودداری دادرس هرگاه در آن حوزه دادرس صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع می‌شود.

ماده ۱۰- در موارد ماده ۷ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذی‌نفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند.

ماده ۱۱- عدم صلاحیت حلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدامات قضایی که به‌عمل آمده است نخواهد بود.

ماده ۱۲- روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل تأخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.

ماده ۱۳- درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد- درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست‌کننده می‌رسد.

ماده ۱۴- در امور حسبی دادرس باید هرگونه بازجویی و اتلافی که برای اثبات قضیه لازم است به‌عمل آورد هرچند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلایلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.

ماده ۱۵- اشخاص ذی‌نفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود. تبصره- نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آنهاست.



- ماده ۱۶- حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.
- ماده ۱۷- در مهلت هایی که مسافت رعایت می شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است.
- ماده ۱۸- اشخاص ذی نفع می توانند پرونده های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند.
- ماده ۱۹- هرگاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوی از طرف اشخاص ذی نفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت در راست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می نماید.
- ماده ۲۰- اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است.
- ماده ۲۱- در مواردی که دادستان مکلف به اقدام می باشد اقدام به عهده دادرسرای دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه بعمل می آید.
- ماده ۲۲- دادرس پس از تمام شد بازجویی و رسیدگی متهمی در ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می نماید.
- ماده ۲۳- تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد.
- ماده ۲۴- در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است.
- ماده ۲۵- در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید بعمل آید دادرس می تواند ترتیب سهل تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.

ماده ۲۶- هرگاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود.

ماده ۲۷- تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آن‌چه در قانون تصریح شده باشد.

ماده ۲۸- مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی و احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعاوی دارد.

ماده ۲۹- مدت پژوهش مانست که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.

ماده ۳۰- در صورتی که پژوهش اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بنخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ انقضای مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد.

ماده ۳۱- مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهش باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.

ماده ۳۲- شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می‌شود و دفتر نامبرده باید فوراً شکایت‌نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و متبھی در ظرف دو روز شکایت‌نامه پژوهشی را با برگ‌های مربوط به آن دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد.

ماده ۳۳- شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این‌صورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و به امضای شاکی و دادرس می‌رسد و این

صورت مجلس با برگ های مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.

ماده ۳۴- شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد.

ماده ۳۵- شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی شود مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.

ماده ۳۶- تصمیم دادگاه استان به اتفاق یا به اکثریت آرا معلوم می شود.

ماده ۳۷- دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می نماید هرگونه رسیدگی و تحقیقی که مفید و لازم بداند با رن احتیاج به درخواست به عمل می آورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آن را تأیید و چنانچه نقصی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق نظر خود آن را تکمیل می نماید و هرگاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند آن را الغاء نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می نماید.

ماده ۳۸- هرگاه در تصمیم دادگاه اشتباه در حساب یا سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذی نفع یا زیاد شدن نامی - مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادرکننده تصمیم مستقلاً یا به درخواست یکی از اشخاص ذی نفع آن را تصحیح می نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست آن می شود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است.

تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود ابلاغ می شود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آن هم در موعد مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

ماده ۳۹- هرگاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد

افتاد.

ماده ۴۰- هرگاه دادگاه رأساً یا برحسب تذکر به خطای تصمیم خود برخورد در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می تواند آن را تغییر دهد.

ماده ۴۱- تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است تغییر آن هم محتاج به درخواست است.

ماده ۴۲- هرگاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسی هایی که رسیدگی پژوهشی می کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر حسبی رسیدگی پژوهشی می نماید می تواند به توسط دادستان دیوان کشور نظر هیئت عمومی دیوان کشور را بخواهد و در این صورت دادگاه نظر خود را با دلائل آن برای دادستان دیوان کشور می فرستد و پس از آن که دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید.

ماده ۴۳- دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سوءاستنباط از مواد این قانون در دادگاه ها بشود یا به اختلاف نظر دادگاه ها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیئت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می دهد که به دادگاه ها ابلاغ شود و دادگاه ها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند.

ماده ۴۴- کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضر بدانند می توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست صادر شده و یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر می شود قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۴۵- مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به نظم جلسه رسیدگی شامل امور حسبی نیز خواهد بود.

ماده ۴۶- در امور حسبی اگر دادرسی آشنا به زبان اشخاص باشد ملزم به مداخله دادن مترجم نیست و در صورت احتیاج به مترجم دادرسی می تواند کسی که طرف اعتماد اوست برای ترجمه انتخاب نماید.



مترجم نباید از اشخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود.

ماده ۴۷- در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و حکمی که در این- خصوص صادر می شود مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است.

www.ketab.ir